

مروری بر آثار سیاسی آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری

محمدباقر دهنوی*

یکی از شخصیت‌های استثنایی عصر مشروطیت که در دو جبهه نظری و عملی فعالیت چشمگیری را از خود نشان داد آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری است. او در پی تحولات اجتماعی و سیاسی جنوب ایران در اواخر عصر ناصر، و به دعوت تجار لارستان در سال ۱۳۰۹ ق / ۱۸۹۱ م، به ایران مهاجرت نمود و در شهر لار ساکن شد او که از شاگردان برجسته میرزای شیرازی و قاضی ایروانی محسوب می‌شد، پیش از مهاجرت به عنوان مدرس حوزه علمیه در نجف شناخته شد و طی اقامت خود در ایران، یک دوره پرتلاطم زندگی سیاسی را پشت سر گذاشت و با فعالیت‌های گسترده فکری و عملی، خود را با جامعه سیاسی و فرهنگی شناساند. مطالعات پیرامون شخصیت او از دو دهه پیش آغاز شد و تاکنون نیز تداوم دارد.^(۱)

انتشار رسایل سیاسی آیت‌الله لاری در سال ۱۳۷۴ خورشیدی، گامی بزرگ در جهت معرفی اندیشه سیاسی او محسوب می‌نشد. به این ترتیب اولین تحلیل علمی و ارزشمند پیرامون تفکر سیاسی آیت‌الله لاری منتشر شد و در اختیار علاقمندان قرار گرفت^(۲)، پیش از آن، کتب و مقالاتی چند پیرامون مبارزات سیاسی وی چاپ شده بود؛ اما اثر نامبرده، در نوع خود اولین مطالعه علمی و تطبیقی بود که به‌طور مستقل، آراء و اندیشه‌های آیت‌الله لاری را در مقایسه با دیگر اندیشمندان مورد بررسی قرار می‌داد. از آن پس، آثار متعددی پیرامون تفکرات او منتشر شد که تقریباً همگی آنها فاقد ارزش علمی است. تحلیل ارزشمند دکتر زرگری‌نژاد در بررسی اندیشه سیاسی آیت‌الله لاری که در مقدمه مختصر رسایل به چاپ رسیده است، از جهات مختلف، کامل و فراگیر است.

در این مقاله ضمن بررسی آثار فکری آیت‌الله لاری، به معرفی مختصر آراء او در خلال رسایل سیاسی‌اش پرداخته می‌شود:

رساله سؤال و جواب، اولین اثر سیاسی رسیده پیرامون حکومت و مبانی نظری آن است که در سال ۱۳۱۴ هـ ق نوشته شده است. این رساله، حاوی یکصد و بیست سؤال فقهی است که آیت‌الله لاری به آن پاسخ داده است^(۳) تعدادی از پرسش‌ها پیرامون نحوه برخورد با حکام و والیان است که

* دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران.

در پاسخ، هرگونه سزاش و همراهی با آنان منع شده است. دومین اثر او به صورت مجموعه‌ای از پرسش و پاسخ است که از طرف یکی از روحانیون اخباری، جنوب به نام مولاقلی اخباری مطرح شده است.^(۴) رساله دیگر او با نام آیات الظالمین در سال ۱۳۱۴ هـ ق منتشر شده است،^(۵) او در مقدمه رساله، درباره نگیزه خود ز تألیف آن می‌نویسد: «چون این زمان، قن و محن به واسطه طول غیبت کبری و اندراس آثار و احکام انبیاء و خلفا و نواب حقیقی خاتم‌الاولیاء... بی‌اندازه باشد... بلکه این نحو ظلم و ستم جور و اجحاف به موجب التماس علی دین ملوکهم می‌باشد؛ لهذا واجب و لازم آمد، بجهت حس مادیه این شبهه و اشبه (را از ذهن پاک نمایم).^(۶) او با استناد به بیش از چهارصد آیه، نشانه‌های ظلم و ظلم را در جامعه معرفی نموده است و در مقابل احادیثی که از سلاطین دفاع نموده‌اند ایستاده و آنها را روایات جعلی می‌داند. در بخشی از این بحث آورده است:

... لازم است بر فرس زبان در این باب رجوع نمودن به آن فصل در اسرار پادشاهان و باری نشان کردن و سعی در جوائع ایشان نمودن عادل کفر است و عدل آبه سوی ایشان نظر کردن، گناه کبیره است.^(۷)

او در این رساله، با استفاده از نثر مخصوص خویش که آمیزه‌ای از کلمات مترادف عربی و کاربرد وسیع جملات طولانی و به کارگیری اصطلاحات کاملاً قهقی است، کوشیده است که مبانی ظلم را از نظر اسلام شناسانده و نشانه‌های آن را بر حکام و پادشاهان تطبیق دهد و آنان را به عنوان قدرت غاصب، از دیدگاه اسلام، مطرح کند. در بخشی از رساله خویش، با استناد به شعر شیخ العارفین بهایی، می‌گوید:

نان و حلوا چیست دانی ای پسر	نوب سلطان است زان قرب الحذر
می‌برد هوش ز سر و از دل قرار	لقرار از قرب سلطان الفرار
قرب سلطان آفت جان تو شد	بای راه بسند ایسمان تو شد

به این ترتیب، سب در اولین رساله منتشر شده خود موضع‌گیری بسیار شدیدی نسبت به حکام و پادشاهان کرده و اصولاً آنان را قائل هرگونه مشروعیت دینی و غاصب مقام اولیاءالله دانسته است. او با استدلال قطعی قرآنی و احادیث معتبر، هرگونه اعانت و یاری دیوانیان را ممنوع دانسته و حتی همراهی نسبی با ایشان را منع کرده است. در یک رساله خصمی برجای مانده از او (در همان حدود سال ۱۳۱۴ هـ ق) که با عنوان سؤالات جناب آقای زائر محمد و جوابات فخر المجتهدین آقا سیدعبدالحسین معرفی شده است، در پاسخ به این سؤال که: «در مجلس اهل ظلمه و احکام دیوانیان رفتن... چه صورت دارد؟» پاسخ داد:

... میل نکند به سوی ظم که به آتش فلش سوخته می‌شوید و نشینید با ظالمین، مگر برای نصیحت و نهی از منکر و دفع... در حدیث است: از دنیای ایشان که پول و قبا و عبا بوده باشد به نسا چیزی عاید نمی‌شود، مگر اینکه به قدر آن و به مثل آن از دهن نسا بردارند و تلف می‌کنند.^(۸)

او، تنها راه برای نجات ظالمین از آتش خشم خداوند و خلق را توبه و بازگشت از اعمال گذشته می‌داند:

هیچ بانی از احوال امیدواری عقلاً باقی نمانده و نیست، سوای دخول در باب توبه و نوح و پرداختن به اصلاح و صلح و تلافی و تدارک آن فروغ و حروح به ندامت و انصاف و اعتدال به
(۹)

سید با انتشار این رساله، عملاً موضع‌گیری خویش را در حناخ‌بندی‌های متفکرین شیعی، به سوی اصول‌گرایی و برداشت‌های عقلی اعلام نمود. همین امر، بلافاصله باعث واکنش شدید محافل اخباری‌گری در لارستان گردید و روحانیون اخباری علیه او به تبلیغات گسترده‌ای دست زدند. یک سند بر جای مانده حاوی بعضی مجادلات فقهی در این زمینه با عنوان سؤالات مولی ثلی اخباری ز عمده اصولیین و فخر مجتهدین آقا سید عبدالحسین و مربوط به سال ۱۳۱۴ قمری برجای مانده است. تمامی این رساله، بحث درباره اجتهاد و تعریف و تبیین حدود آن می‌باشد. سید، تکیه بر تفکر اصلی خویش، حجیت عقلی، را در تمیز دادن قواعد و احکام شریعت، مورد تأکید قرار داده و در تعریف اجتهاد می‌گوید:

فوت الاستحراج الشروع من الاصول و التواعد السمه المقرره المنتهیه الی الشرع و العقل.
(۱۰)

مولای اخباری در پاسخ به این نظر، با تکیه بر احتجاجات اخباری، می‌کوشد تا اهمیت احادیث را گوشزد کند و طی یک بحث طولانی، برداشت سید را نادرست و نوعی بدعت می‌داند. این مکانبات، نهایتاً به دلیل برخورد تند روحانی اخباری‌گرا، از طرف سید قطع گردید.

سید بر بنیاد اندیشهٔ اصول‌گرایانه مبتنی بر ظلم‌ستیزی خویش، در تحولات سیاسی ایران در عصر مشروطیت شرکت جست و با تحركات نظامی خویش - که اولین بار با حضور فعال در شیراز و حمایت علنی و گسترده از نیروهای مشروطه‌خواه شکل گرفت - عملاً حضور خود را در دو صحنه سیاسی و نظامی نشان داد.

در همان حال، او با انتشار رساله مشروطه مشروعه نظرات فقهی خویش را در نشان دادن مشروعیت سیستم جدید - نظام مشروطیت - اعلام نمود. سید، در پاسخ به این پرسش که «صحة آراء و اتفاق نظر و صولید شوراه»^(۱۱) را چگونه می‌توان توجیه کرد؟ طی یک مقدمه، با استناد به آیات قرآنی، به این نتیجه ابتدایی می‌رسد که: «هر نظر و شوری و خیالی و آرای که مخالف قواعد و قوانین شرایع دین اسلام و مسلمین است از مزخرفات وحی شیطین و منشاء تمام مفاسد دنیا و دینه [می‌باشد]»^(۱۲) از سویی او در ادامه استدلال خویش می‌افزاید که تمامی گرفتاری‌ها و بیچارگی‌های مسلمین (بلکه جهانیان) به دلیل عدول از اصل اساسی اسلام، یعنی شورا، می‌باشد: «... تمام مفاسد عالم و بی‌اعتدالی اسم و اختلال نظم و حکم و زوال نعم و تقم و وجود به - عدم از بداء آدم تا خاتم و از صدر اسلام تا یوم‌القیام، نیوده و نخواهد بود، مگر به واسطهٔ مخالفت [با] حکم شوره ملت و کفران نعمت»^(۱۳) از

دلیل پیروزی مسلمین بر ایران را «امداد شورا و مشورت با والی ملت و امام امت»^(۱۴) و «وام سلطنت صفویه را از برکات علماء ملیه»^(۱۵) می‌داند. همچنین پیروزی و موفقیت سلطان عبدالحمید را «بواسطه رأی سدید و تلافی شدید آکید در حمایت اسلام و علماء اعلام، دانسته؛ پیروزی «ژاپان» بر روسیه را از قدرت «ملت» آن می‌داند.^(۱۶)

بر این اساس، او فواید «قانون ملی» و اعمال شورا در جامعه را در موارد ذیل بر شمرده است:

- الف) دفع بدعت تذکره مروزی (گذرنامه) و قرنطینه عبوری زوار بیت الله الحرام^(۱۷)
 ب) کوتاه شدن دست کفار خارجه از «حکمت و تحکم و حکومت» اسلامی^(۱۸)
 ج) اخذ وجوهات شرعی و مالیات‌های اسلامی «به نظر و صواب دید اهل ملت و شریعت، نه به اختیار عمل بداعمال»^(۱۹)
 د) «وجوب الزام و التزام از عمال و ضباط و حکام، بر وجه نماند و غرامت و سیات شرعی و تبدیل بین رعیت در گفتار، کردار و رفتار...»^(۲۰)
 ه) اتحاد عموم مردم «از ملیین از مخالف و موافق از خاصه و عامه و سنی و شیعه، حتی بر نسوان و صیان در خصوص دفاع از دین»^(۲۱)
 و) «بریدن دست کفار، از تصدی امور داخله از هر کار و اختیار، خصوصاً از اختیار گمرکات سرحد اسلام...»^(۲۲)
 ز) اتحاد جهان اسلام و خصوصاً دولتین ایران و عثمانی^(۲۳)
 ح) تنویق و تحریض نیکوکاران و مجازات و پیگیری مجرمین «از هر انسان، ولو امین السلطان»^(۲۴) باشد.
 ط) «لغو کلیه قراردادهای یکطرفه که با دولت‌های قدرتمند بسته شده است»^(۲۵)
 او در پایان، ضمن بر شمردن کلیه «فواید قانون ملی»، همکاری با آن را از «مجاهدات واجبه» می‌داند و می‌گوید: «واقامه این انجمن و دخول در این چنین گشتن، از جمله مجاهدات واجبه موجه سروران امان کشور و منصور (می‌باشد)».^(۲۶)
- سید هرگونه مخالفت با انجمن و مجلس شورا را محکوم می‌داند و می‌گوید: «مخالفت و معاندت برآی صواب دید اهل ملت، محکوم به حکم قول به فصل و خرق اجماع است و اجتهاد در مقابل نص بطل و عاطل است».^(۲۷) «سید» با انتشار این رساله، نظرات کاملاً دین‌گرایانه و مبتنی بر تفکرات مذهبی خویش را اظهار داشته، و با استدلالاتی کاملاً فقهی و گد پیچیده، به دفاع از بنیادهای سیاسی جدید - که همانا «مجلس» باشد - پرداخته است. او در این رساله، ضمن تأیید حاکمیت مطلق خداوند بر همه هستی، و اینکه قانونگذاری حق اوست، به نوعی استحقاق بشری در پدید آوردن قوانین مترف گردیده و آن را با عنوان «اجماع» مطرح ساخته است. استدلالی که در شکل کاملاً اصول‌گرایانه توسط نائینی در رساله معروفش بدان اشاره رفته است.^(۲۸) توجه سید به اهمیت شورا در

اسلام، با توجه به احادیث و روایات و همچنین با این استدلال که پیشرفت جوامع به خطر اجرای اصل شورا بوده است، در نظرات دیگر مدافعین مشروطه‌خواهی نیز به چشم می‌خورد.

سید، با توجه به مکانی که شورا در اسلام داشته، مجلس ملی را به نوعی تقدس دینی آمیخته و در واقع مخالفت با آن را مخالفت با شرع دانسته است. ابراز نظر او ساده و به دور از پرداخت‌های عمیق استدلالی است. هرچند اثر متکلف و مصنوع او بر جای جای آثارش سنگینی می‌کند و پژوهشگر را در دسترسی سریع به مفاهیم ارائه شده، مانع می‌شود.

سید در راستای حمایت از مشروطه‌خواهان و مجلس ملی، به تألیف سومین اثر سیاسی خویش با عنوان قانون در اتحاد دولت و ملت دست زد. او در این اثر از همان ابتدا به موضع‌گیری شدید علیه مشروطه‌خواهان دست زده، مخالفت آنها را، افروختن آتشکده استبداد و فتنه ساد رانسان و تفریق مسلمین، دانست و آنان را محارب با خدا قلمداد نمود.^(۳۹) او در ادامه بحث، فصولی چند را در بیان شروط صحت مجلس ملی اسلام، و وظایف و حقوق کلی افراد و اجتماعات و گسترش عدالت اختصاص داده، درباره صحت انعقاد مجلس می‌گوید:

شرط صحت تأسیس مجلس این است که حد نصاب لازم انحصاسی که رای انجام امر حسیه و رفع مفاسد اجتماعی و کلی و حفظ حقوق نوعی ضروری است، وجود داشته باشد.^(۴۰)

این حد نصاب لازم، با توجه به رفع نیازمندی‌های جامعه معین می‌شود و به زمان و مکان ویژه جامعه بستگی دارد. از دیدگاه او، اعضای مجلس بایستی دارای شروط چهارگانه تکلیف که کمال و تکمیل مجلس این است که اولاً و اقلاً شخص اول مجلس، قبیله عادل جامع شرایط باشد، پس از آن بدل و قائم‌مقام ایشان از عدول مومنین، پس از آن الادین فالادین من اهل‌القدین^(۴۱) باشند، همچنین که ولایت کلی اجراء حدود شرعی و سیاست‌های الهی و احکام، از هر جهت حق مسلم حاکم عادل شرع است و نه غیر آن ترجیح آراء شورا و اسم و رسم و عنوان و منصب و نظارت و قیوم... از هر لحاظ حق مسلم حاکم شرع مسلم‌العداله اهل مجلس است و لا غیر.^(۴۲) او در ادامه بحث آورده است: کسی را حق عقد مجلس و نه حق تعیین و نه حق انتخاب و نه ابتلاء و نه استامه نیست مگر به اذن رخصت حاکم شرع مسلم‌العداله از مشروطه‌خواهان نه مستبدین.^(۴۳) بر همین اساس، او هرگونه مجلس را که فاقد حمایت از سوی مجتهد مشروطه‌خواه باشد، رد نموده و آن را با عنوان مسجد ضاره دانسته است:

تأسیس مسجد و مجلس ضاره و جمع اشوار بر عجل خوروا غریباً بین لومنین و ارحام لمن حارب الله و رسوله نوده‌اند، چنین مستبدین، محکوم به حکم سفیدین فوالارض و محاربین با مسلمین هستند.^(۴۴)

با این تعبیر، او عملاً در جناح‌بندی‌های فکری وارد شد و در سلیک مشروطه‌خواهان قرار گرفت. سید در دفاع از مبانی مشروطیت، برخلاف رویه دیگر متفکرین که عملاً به نوعی حاکمیت عرف در مقابل شرع، تن در داده و بدان معتقد شدند،^(۴۵) هیچ‌گاه مابین عرفی‌توانین را که با عنوان «قوانین

موضوعه مطرح می‌باشد، مورد پذیرش قرار نداده و عملاً حاکمیت قانون و قانونگذاری را به «مباری شرعی» جامعه واگذار کرده است. حتی اختیار کلی امور، از قبیل بستن مال مسلمان و صرف آن را، بر عهده عالم جامع شرایط می‌داند.^(۳۶)

بر همین اساس او معتقد است که:

«اگر تاکنون، مجلس، رسیت و ممنوعیت بدانگونه باعث بود که آثار دین و ملت و احکام شریعت را احیاء کند، جوی این سه فاسد و صایهان حقوق مردم را می‌گرفت و اینها ضایعات را برای مردم کشور، به ویژه اهالی جنوب و چهار کبر مردم فارس بوجود نمی‌آورد.»^(۳۷)

سید با این جملات، عملاً نشان داد که آنچه در عبطه فکری، مشروطه مشروعیه قرار دارد، در مجلس ملی اعمال نگردیده و به همین علت دفع مظالم مردم نشده است. او توضیح بیشتری در این باره نداده و ماجرا را سکوت گذاشته است.

سید در این رساله، عملاً نظریه‌ای یکدست و منسجم و متکی بر نوعی استدلال را بیان نگذاشته و در واقع، بیشترین تلاش او نشان دادن حمایت سیاسی از مشروطه خواهان و انزجار از مستبدین است. آنچه که او مطرح ساخته، دفاع از انتقادات و ایرادات به «مشروطه خواهان» نبوده بلکه در بسیاری موارد تفکرات او به برداشت‌های ایشان نزدیک و گاه مطابقت تمام داشت است.

در آثار سیاسی آیت الله لاری، پاسخی به پرسش ساسی متفکرین، مبنی بر قانونگذاری خود آگاه بشری، و برخورد منافع عرفی در مقابل شرع داده نشده است. در واقع او مبنای جدید مدنی را کاملاً در عبطه شرع دانسته، ضمن تأکید بر حاکمیت شرع، سعی داشته است که چهره ضد ظلمی از اسلام نشان دهد.

شاید بتوان گفت که آنچه سید را بر آن داشت که در تألیفات سیاسی خویش به گروه و یا دسته‌ای تمایل نشان دهد، آگاهی و اطلاع او از جریانات سیاسی مرکز و یا مشکلات برآیند سینم جدید سیاسی نبوده است، بلکه بیشتر اعتقاد شدید وی به نوعی «عدالت اجتماعی» و «ظلم ستیزی» باعث گردید که در قبال تحولات سیاسی عصر از خود واکنش نشان دهد و نظرات خویش را ابراز کند.

در تمام برداشت‌های سید، نوعی پافشاری و تأکید خاص مشاهده می‌شود. احکام صادره از سوی او شامل جملاتی کوبنده و قاطع و خالی از هرگونه سلب است. کبی وازه‌های انتخابی او دارای نوعی ویژگی دینی و شرعی است. بارزترین نمونه‌ها را می‌توان در «مشروطه مشروعیه»، «پست ملت اسلام»، «مجلس ملی اسلامی»، «آیات الظالمین»، و عناوین گوناگونی که سید جهت تمیز جمعیت خود انتخاب کرده، بود، یافت. او بر همین اساس احکام اداره بلدیة ر در سال ۱۳۲۶ هـ ق منتشر نمود و در این رساله کوشید تا به نوعی جمع بندی در اعمال نظریات فقهی خود در باب امور مدنی، دست یابد. در پاسخ به این سؤال که «احکام قانون اداره بلدیة چیست؟» گفته است: «کلیه دفع مفاسد و جلب منافع و مصالح بلدیة است، ولی بر وجه مشروعیت»^(۳۸) و با این پاسخ، عملاً تمایلات شرعی، خویش را مقدم بر منافع عرفی و مدنی دانسته است. در این رساله بیش از ده سؤال فقهی مربوط به مسائل مدنی مطرح

گردیده و سید با عبارات پیچیده خویش به آنها پاسخ داده است. سؤالاتی مانند:

- الف) در صهارت نجاست و حلیت و حرمت مثل قند و چای و نفت و شمع و مصنوعات بلاد کفره
 ب) درباره بیع و شراعی اسباب منکرات و ملامی
 ج) در استناد از وسایل غناء در مراسم عروسی
 د) در حق لویه و محاسن تراشی
 ه) در حکم عادت به وافور و تریاک و قهوه و تباکو
 و) نظر اجنبی و اجنبیه و بالعکس
 ز) در جواز تدایوی مرض به خمر
 ح) در حکم اموال و املاک مستبدین
 ط) در حکم اعانه و اعوان ظلمه
 ی) در حکم خود ظالم و فاسق

او، طی یک پاسخ ساده و در عین حال کاملاً فقهی، مصنوعات بلاد کفره را نجس و استعمال آن را ممنوع دانست^(۳۹)؛ بیع و شراعی اسباب منکرات^(۴۰) و استفاده از وسایل غنا در مراسم عروسی^(۴۱) و محاسن تراشی و عادت به وافور^(۴۲) و نظر اجنبی را حرام می‌داند^(۴۳). اموال و املاک مستبدین را متعلق به حاکم شرعی دانست^(۴۴) اعانه ظلم را حرام و ظالم و فاسق را با عنوان «محراب با خدا» شناخته است.^(۴۵)

سیده در همه آثار سیاسی خویش، نهایتاً به بارزترین خصیصه فکری و عملی خود، یعنی مبارزه با ظلم، پرداخته است. از با انتشار رسایل خود، به عنوان یکی از حامیان جدی مشروطه خواهی به جامعه سیاسی ایران شناسانده شد؛ و از محدود رهبرانی است که با تمام توان و در جهت حفظ دستاوردهای انقلاب تلاش نمود. هرچند، نگرش وی به مشروطه و تبیین او از این نظام، به طور کلی متفاوت از دیگر اندیشمندان عصر است. دکتر زرگری‌نژاد در اثر خود، ویژگی‌های فکری او را به خوبی روشن ساخته و با دیگر متفکرین مقایسه کرده است. مراجعه به بخش مقدمه کتاب رسایل مشروطیت بسیار مفید و قابل استفاده است.^(۴۶)

آخرین رساله سیاسی آیت‌الله لاری در حین جنگ جهانی اول به رشته تحریر درآمد. او که طی پانیه‌ای جهاد با بریتانیای کبیره را واجب و آن را بر کودکان نیز فرض دانسته بود، مورد انتقاد شدید قرار گرفت و همین امر باعث شد تا در یک پانیه مستقل به این انتقادات پاسخ دهد. در این رساله که بعدها به پانیه دفاعیه جنگ جهانی اول مشهور شد، نظام استعمار جهانی را به طور ساده مورد بررسی قرار می‌دهد و ضمن تقبیح دو قدرت مذهبی و سیاسی اروپا، بریتانیا را غاصب و کافر می‌شمارد و از این رو، جهاد را بر کودکان و زنان و مردان واجب می‌داند و در این مورد می‌نویسد:

جهاد دفاع این کافرین جهاد اکبر و افضل جادت ثلثین است [چراکه اگر کنار داخله، فتح ابواب فساد و غارت ملت و اهل شریعت نشده بودند، چگونه مأمورین نادار تو شهر و عمره و بصره

فتح ابواب فساد خارجه و خرابی مشاهد مشرفه و فرارنا ^(۲۷) کرده، دیگر جای خودداری و چشم‌پوشی از این منکر و جهاد اکبر نیست.

سید که این رساله را در سال‌های تبعید و مراقبت شدید می‌نوشت، اصول اولیه اعتقادی خود را که بر دو پایه دین‌گرایی و ظلم‌سنیزی استوار بود، فراموش نکرد و تا آخرین لحظات حیات خود، مجدانه در راه مبارزه با ظلم و مظاهر آن تلاش نمود.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که نظرات سیاسی آیت‌الله لاری در نوع خود استثنایی و به‌طور کلی متفاوت از آراء متفکرین دیگر عصر مشروطیت است. او اگرچه از لحاظ فکری به مشروعه خواهان نزدیک‌تر می‌نمود، اما عملاً در جناح مشروطه خواهان قرار گرفت و با نام وجود از آنان دفاع کرد؛ نظرات او در باب مشروطیت و مبانی شرعی آن، منحصر به خود اوست و قابل منایسه با دیدگاه‌های دو جناح مخالف مشروطه‌خواه و مشروعه‌خواه نیست. در واقع مشروطه مشروعه مورد نظر آیت‌الله لاری با آنچه که به نام مشروطه جریان داشت، به کلی متفاوت بود؛ اما علی‌رغم این تفاوت، مشروطه موجود را مورد تأیید قرار داد و با واقع‌گرایی خاصی از آن حمایت کرد. هرچند مشروطه‌خواهان مرکز، هرگز قدر و ارزش زحمات او را ندانستند و فعالیت‌های صادقانه سید و همراهانش برای تحقق نظام مشروطیت، هیچ‌گاه مد نظر مرکز قرار نگرفت و در دوره استبداد صغیره و پس از آن نیز، مورد بی‌مهری و خشم «استبدین» و «انقلابیون» قرار گرفت. موضوعی که دلیل آن را باید در بافت اجتماعی خاص فارس و نواحی جنوب جستجو کرد.

با همه اینها، آیت‌الله لاری با مبارزات عملی و علمی خود، سهم به‌سزایی در تحقق آرمان‌های عدالت‌خواهانه مردم جنوب ایران داشت و برای مدتی کوتاه، توانست اندیشه سیاسی خود را در قالب تشکیل حکومت مصلی در جنوب ایران، تحقق بخشد.